

لوقا ۱: ۷

و در آن ایام حکمی از اوغُسْطُس قیصر صادر گشت که تمام ربع مسکون را اسم نویسی کنند. و این اسم نویسی اول شد، هنگامی که کیرینیوس والی سوریه بود. پس همه مردم هریک به شهر خود برای اسم نویسی می رفتند. و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت، رفت. زیرا که او از خاندان و آل داود بود. تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد. و وقتی که ایشان در آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده، پسر نخستین خود را زایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود.



لوقا ۸: ۱۱-۱۲

و در آن نواحی، شبانان در صحرا بسر می بردند و در شب پاسبانی گله های خویش می کردند. ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد و کبریایی خداوند بر گرد ایشان تابید و بغایت ترسان گشتند. فرشته ایشان را گفت: «مترسید، زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می دهم که برای جمیع قوم خواهد بود. ۱۱ که امروز برای شما در شهر داود، نجات دهنده ای که مسیح خداوند باشد متولد شد. و علامت برای شما این است که طفلی در قنடைه پیچیده و در آخور خوابیده خواهید یافت.» در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح کنان می گفتند: «خدا را در اعلی علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی باد».



مزامیر ۹۶: ۶-۷

مجد و جلال به حضور وی است و قوّت و جمال در قدس وی.
ای قبایل قوم‌ها خداوند را توصیف نمایید! خداوند را به جلال
و قوّت توصیف نمایید!

افسیسیان ۱: ۱۴

چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در
محبت مقدس و بی‌عیب باشیم.



محمد انتظار

روز چهارم:

(شعیا ۹: ۶-۲)

زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الآن تا ابدالآباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صباپوت این را بجا خواهد آورد.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انستیتو کتاب مقدس پارسین است و استفاده از آن بدون اجازه رسمی ناشر مجاز نمی‌باشد.

لوقا ۱۵: ۱۹-۱۵

و چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند، شبانان با یکدیگر گفتند: «الآن به بیت لحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است ببینیم.» پس به شتاب رفته، مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند. چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند. و هر که می شنید از آنچه شبانان بدیشان گفتند، تعجب می نمود. اما مریم در دل خود متفکر شده، این همه سخنان را نگاه می داشت.



حمید انتظار

روز ششم:

لوقا ۲۰: ۱ و ۲

و شبانان خدا را تمجید و حمد کنان برگشتند، به سبب همه آن
اموری که دیده و شنیده بودند چنانکه به ایشان گفته شده بود.
و چون ایام تطهیر ایشان بر حسب شریعت موسی رسید، او را
به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذرانند.



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انستیتو کتاب مقدس پارسین است و استفاده از آن بدون اجازه رسمی ناشر مجاز نمی‌باشد.

عید انتظار

روز هفتم:

لوقا ۲۵: ۱-۱۳

و اینک شخصی شمعون نام در اورشلیم بود که مرد صالح و متقی و منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بر وی بود. و از روح القدس بدو وحی رسیده بود که تا مسیح خداوند را نبینی موت را نخواهی دید. پس به راهنمایی روح، به هیکل درآمد و چون والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را بجهت او بعمل آورند، او را در آغوش خود کشیده و خدا را متبارک خوانده، گفت: «الحال ای خداوند بنده خود را رخصت می‌دهی، به سلامتی بر حسب کلام خود. ۳۰ زیرا که چشمان من نجات تو را دیده است، که آن را پیش روی جمیع امت‌ها مهیا ساختی. نوری که کشف حجاب برای امت‌ها کند و قوم تو اسرائیل را جلال بُود.» و یوسف و مادرش از آنچه درباره او گفته شد، تعجب نمودند.

